

باسمه تعالی

پایه ریزی بنیان های دانشگاهی در برنامه ریزی توسعه ملی

دکتر محمد رضا حمیدی زاده
عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی
E-mail: M-Hamidizadeh@sbu.ac.ir

چکیده

هدف این مقاله ارائه پنج بنیان برای پایه ریزی دانشگاهی در برنامه ریزی توسعه ملی در سطح سیاستگذاری و تدوین راهبردهای کلان کشور است. این پنج محور مبتنی بر حوزه های نرم افزاری (خلق ایده ها و اندیشه سازی) و سخت افزاری (روش ها و نقشه راه ها) است.

روش تحقیق، مطالعات تطبیقی برای شناسایی محورهای اصلی و مولفه های آن محورها جهت دستیابی به مدل های چندگانه است در حالی نحوه تدوین مقاله تحلیل های استنباطی و اخذ نتیجه برای سطوح راهبردی، بخشی و دستگاهی است. در این سطوح، مدل های متنوع با کارایی نرم افزاری و سخت افزاری طراحی و پیشنهاد می شوند.

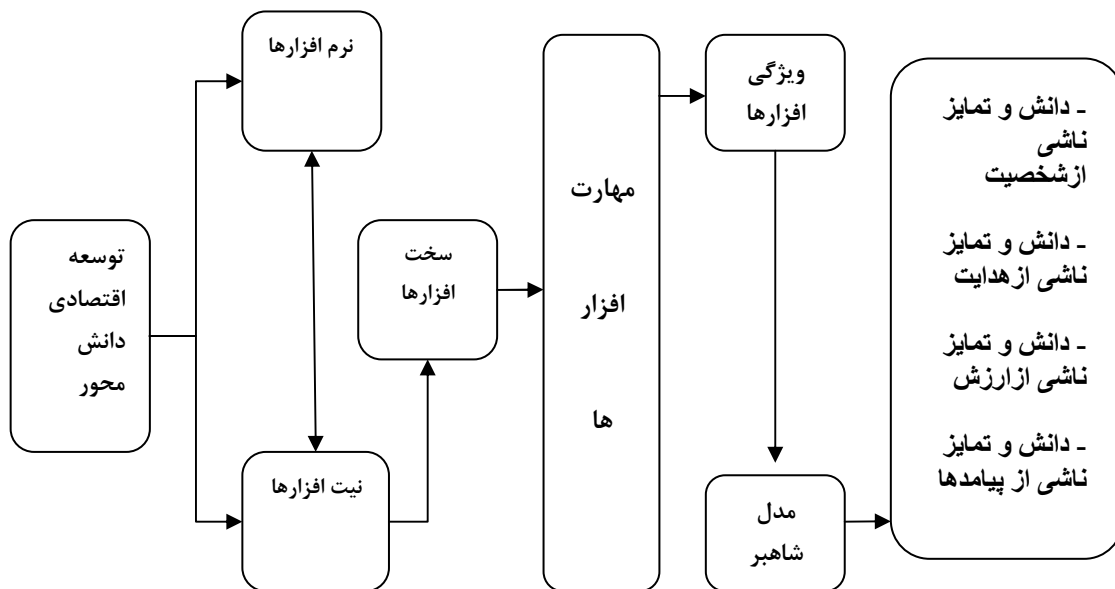
به هر حال، برای کسب مزیت دانشی باید سیاست ها و برنامه ها برپایه راهبردها به صورت ادواری، مورد ارزیابی واقع شوند که آیا بنیان های نهادینه شده در آنها مورد استناد و بهره گیری قرار می گیرند؟ و نیز آیا محورها و مدل ها باعث پیشبرد توسعه پایدار و تمایز آنها نسبت به قبل و دیگران و هدایت هوشمندانه امور و حل مسایل پیشرو شده است؟ از دستاوردهای دیگر مقاله، ایجاد نهادهای تقویت حافظه، خرد جمعی، قدرت بصیرت و تحلیل سطوح مختلف خبرگان برای تقویت توان اجرایی چشم اندازها و راهبردها و ارتقای سطح تعهدات به آنهاست.

کلید واژه ها: بنیان های دانشگاهی، حوزه های نرم افزاری، حوزه های سخت افزاری، بصیرت و تعهد.

مقدمه

هدف مقاله را شناسایی، استخراج و ارائه بنیان های عمومی دانشجویی برای تدوین برنامه های توسعه ملی شکل می دهد. این بنیان ها ماموریت جوهری برنامه های دانش محوری اقتصاد شناخته می شود. توسعه اقتصادی دانش محور، اقتصادی است که در آن برنامه ریزی توسعه اقتصادی برپایه تولید و بهره گیری از دانش مطابق مدل شکل ۱، نقش کلیدی در رشد اقتصاد و خلق ثروت دارد. اساس و هسته اصلی توسعه اقتصادی دانش محوره عرصه: (۱) سرمایه ی انسانی به خصوص ظرفیت خلق، نوآوری، تولید، تسهیم و بهره گیری از ایده های جدید، (۲) به کار گیری فنآوری و (۳) اجرای مهارت های کار آفرینانه و ارزش آفرین است.

تزریق دانش در اقتصاد کشور موجب شکل گیری اقتصاد دانش محور خواهد شد. اقتصاد دانش محور، سکوی مستحکم برای پایدار کردن نرخ شتابان توسعه اقتصادی و تقویت رقابت در عرصه بین المللی برای رسیدن به هدف های مندرج در چشم انداز های توسعه ملی است. توسعه اقتصادی دانش محور، توان کشور را برای نوآوری، اقتباس و خلق فناوری بومی، طراحی، توسعه و بازاریابی محصولات جدید تقویت می کند. این نوع توسعه اقتصادی، استراتژی " نهاده محور" را به استراتژی " توسعه مبتنی بر بهره وری" شتاب می دهد. توسعه اقتصادی دانش محور، توسعه ای است که به طور مستقیم بر تولید، توزیع و بهره گیری از داده ها، اطلاعات، علم، دانش و دانایی استوار است. این توسعه دارای این خصیصه ها است: رشد در سرمایه گذاری فنآوری بالا؛ صنایع فنآوری بالا؛ پرورش نیروی کار بسیار ماهر و منافع بهره وری مرتبط با آن؛ بهره گیری از دانش و دانایی در تدوین هسته های برنامه ریزی در کلیه بخش های توسعه.



شکل ۱ پایه های دانشجویی در برنامه ریزی های توسعه ملی

بنابراین، مسئله تحقیق در چارچوب این سوالات مطرح می شود:

- توسعه اقتصادی دانش محور چیست؟ چه عرصه ها و خصیصه هایی را در بر می گیرد؟

- قطب های توسعه اقتصادی دانش محور کدامند؟

- بنیان های دانشگرایی چیست؟ و از چه عواملی تشکیل می شوند؟

- چه خصیصه ای انسان ها و سازمان های توسعه یافته دانشی باید داشته باشند؟

بنیان ها

نظریه جدید توسعه، تلاش برای درک نهادینه سازی دانش و فنآوری در ارتقای بهره وری، سلامت و توسعه اقتصادی است. در این دیدگاه، سرمایه گذاری در انسان سازی دانش محور، خلق دانش در کلیه فرایندهای پژوهش، آموزش و یادگیری نظری و کاربردی و ساختارهای مدیریتی در خانواده، بنگاه ها و نهادهای اجتماعی و فرهنگی جدید کلیدی هستند. علاوه بر سرمایه گذاری های دانشی، توزیع دانش از طریق شبکه های رسمی و غیر رسمی برای عملکرد برنامه های توسعه اقتصادی امری اساسی و حیاتی است. بنابراین، توسعه اقتصادی دانش محور، ترکیبی از پنج قطب: (۱) اقتصاد، تجارت، کسب و کار و محیط نهادی، (۲) فنآوری های اطلاعات و ارتباطات، (۳) سرمایه های انسانی، اجتماعی - فرهنگی و ساختاری، (۴) نظام های ملی خلاقیت و نوآوری و (۵) هوش و حافظه ملی (انباشت هوشمندانه دانش و دانایی) تصور می شود. بنیان های دانش در برنامه ریزی توسعه ملی دانش محوراگرچه به شرح زیر است اما توسعه دانشی فعالیت های اقتصادی و ارتقای جهانی سازی فعالیت های اقتصادی و دانش بری آن، منبعث از نیروهای انقلاب فنآوری اطلاعات - ارتباطات و آهنگ افزاینده تغییر فناوریانه است:

۱. نرم افزارها (خلق ایده ها و اندیشه سازی): دانش رمز نگاری شده و ذخیره شده در خارج از ذهن انسان، برای مثال در منابع علمی و ادبی، لوح های فشرده، اسناد و مدارک، انواع نوارهای الکترونیکی و مانند این ها. ایده ها به دانشی اطلاق می شود که می توانند در کلمات، نمادها یا دیگر وسایل ابزار ایده ها مطرح شوند. ایده های جدید (نرم افزار) به تولید اشیا جدید (سخت افزار) و ساماندهی اشیا موجود به شیوه هایی بسیار کارآمد تر منجر می شوند؛
۲. نیت افزارها: مشتمل بر تفکر (که پل بین واقعیت امروز و چشم انداز فردا است)، هدف و مقصد درونی و درجه خلوص در مثبت گرایی در تدوین و پیشبرد برنامه ها؛
۳. سخت افزارها (روش ها و نقشه راه ها): ساختار، روش ها، سازوکارها، فرایندها و نقشه های کارها؛
۴. مهارت افزارها (توانمندی ها و مهارت ها): دانشی که نمی تواند از یک فرد جدا شود، دانشی که در ذهن و دست های هر انسانی ذخیره شده است نظیر توانایی ها، استعدادها، تبحرها و مانند این ها. مهارت ها نمی توانند مانند ایده ها رمز نگاری شوند بلکه همیشه به شکل پنهانی یا نهفته در افراد وجود دارند. مهارت های جدید، بهتر باعث می شوند ایده ها اجرا شوند و اشیا مورد استفاده قرار گیرند؛
۵. ویژگی افزارها: مشتمل بر صفاتی است که دانشگرایی و هوشمندی را نهادینه می کند و حاوی: - فراوانی منابع: نهاده دانش در کنار فنآوری و نوآوری همیشه در حال گسترش است؛ - نداشتن مانع مکانی: نوآوری در فنآوری دسترسی به منابع و بازارها را میسر می سازد، سازمان ها و مکان های مجازی ایجاد می کند (افزایش تحرک نیروی کار و سرمایه)؛ - بالا بودن میزان و سطح نیروی کار تحصیل کرده؛ - بالا بودن سطح ثروت سالانه: افزایش بازده ها نسبت به مقیاس بواسطه سرمایه گذاری های مبتنی بر دانش و به ارمغان آوردن ثروت بیشتری برای همگان؛ - وجود داشتن فرصت های فراوان برای به چنگ آوردن دانش خارجی و یادگیری از بهترین تجارب، - برقراری تعامل با دیگر شاهراه های دانش جهانی: گسترش تعامل با دیگر کشورهای و تسهیم فناوری و تحول فناوری از طریق جریان آزاد اطلاعات با هزینه کمتر و زیر ساختارهای پایدار، تسهیم اطلاعات و فناوری؛ - تغییر ساختارهای سازمانی، سلسله مراتب بالا به پایین به ساختارهای مسطح تر نظیر شبکه های تیم های نیمه مستقل: توسعه فناوری اطلاعات و گسترش تعامل بهتر میان متصدیان و کارگران و درگیری فعال آنها در توزیع ایده ها و تصمیم گیری ها؛ - کلیدی بودن دارایی های مبتنی بر مهارت ها و دانش: تبدیل شدن مهارت ها و دانش به دارایی های اصلی اقتصاد برای کسب رقابت گری؛ - قطب های

اقتصاد دانش محور بر اساس فناوری های اطلاعاتی: اساسی بودن دسترسی به شبکه سازی در کسب و اشاعه دانش و اینترنت برای ارتقا فناوری اطلاعات و ارتباطات.

انسان ها و سازمان های توسعه یافته دانشی

برای پایه ریزی افراد و سازمان های دانش بنیان، چهار خصیصه زیر باید در آنها به رفتار تبدیل شود.

- تمایز شخصیتی؛
- تمایز ارزشی؛
- تمایز هدایتی؛
- تمایز برآورد و تخمین احتمالی آثار و پیامد ها.

اساساً، عرصه های کاربردی دانش در برنامه ریزی توسعه ملی مشتمل بر فرایند شناخت، جذب، هدایت کردن و تبیین راهکارهای دانشی برای کمک به تقویت بنیان های پنجگانه است. برای دستیابی به فرایند تجدید و بهنگام سازی دانش، یادگیری نقش محوری دارد. از این رو، زمانی افراد و سازمان ها توسعه یافته دانشی تلقی می شوند که دستاوردهای زیر را به ارمغان آورند:

- ارتقای کیفیت و حضور گسترده در پیشبرد فعالیت های توسعه؛
- ارتقای تصمیم گیری و پرهیز از هرز زمان و انجام دوباره کاری ها؛
- ارتقای سطح پاسخگویی به نیازمندان؛
- ترغیب افراد به تسهیم دانش و سطح بندی دستیابی به اطلاعات؛
- بالا بردن میزان حمایت از افرادی که در تولید و تبادل دانش مشارکت دارند؛
- ارتقای کارایی افراد، عملکردها، محصولات و خدمات بهتر؛
- پیشبرد فرایندها با کارآمدی بیشتر و استمرار بازآفرینی راه های انجام کارها؛
- شناخت فرصت های جدید و تنگناها؛
- شناسایی تغییرات و ارائه واکنش درست از طریق نوآوری؛
- به کارگیری کارآتر منابع انسانی؛
- کاهش چرخه زمانی و کوتاه کردن فرایندها، بالطبع، افزایش سرعت فرایندها؛
- تداوم انتقال تجربیات و ایجاد سازوکارهای اثربخش. (Radding, 1998; Jarrar, 2002; Roth, 2003).

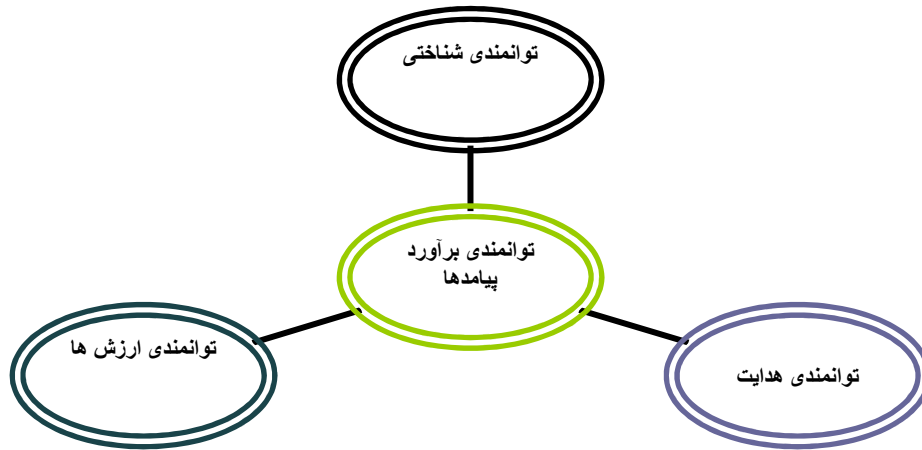
با نهادینه سازی برنامه های دانشی شبکه ای بر پایه مدل چهار بعدی (شاهبر) در برنامه ریزی های توسعه ملی انتظار می رود مدت زمان توسعه و رفاه فراگیر کاهش یافته و بهره گیری از دانش روز و منابع بنیادی توسعه آفرین با کاهش مخارج همراه با ارتقای یادگیری فردی، سازمانی و ملی تسهیل شود. از این رو، ضروری است مدل چهار بعدی (شاهبر) زیر بنای نظام برنامه ریزی دانش بنیان شود تا به تواند دارائی های دانشی رابه قابلیت ها، توانمندی ها و نیز مزیت ها تبدیل کند.

مدل چهار بعدی (شاهبر)

این مدل مطابق شکل ۲، سه بعد حمایتی و یک هسته مرکزی دارد.

مطابق مدل، برنامه باید **توانمندی های شخصیتی** با سازوکارهای زیر داشته باشد.

۱. **ارتباطات:** شناخت و برقراری ارتباطات میان بخش ها و زیر بخش ها برای داشتن توازن و حفظ پایداری در راهبردها ضروری است.



شکل ۱- مدل شاهبر

۲. **هماهنگی:** از اهداف بنیادی ارتباطات، برقراری هماهنگی و همناختی میان کلیه بخش ها و زیربخش ها است.

ناهماهنگی، بهم ریختگی در اجرای برنامه ها را موجب می شود.

۳. **محتوی:** برنامه ها باید جلوه بارز شایستگی ها، توانمندی ها، مهارت ها و مزیت ها باشد.

۴. **نوآوری:** حیات پویا و جلوگیری از فرسودگی و برخورداری از تازگی با نوآوری کسب می شود.

۵. **بصیرت:** دانش از طریق عمق بخشیدن به مباحث فکری، و ایجاد قدرت دیدن چندجانبه و انتخاب دستاوردهای مطبوع

ارزشی در برنامه ها باید حضور یابد.

۶. **تفکر:** زمانی دانش در برنامه ریزی حضور دارد که توسعه ارتفاع و افق فکر ارمغان آن باشد لذا نحوه و سازوکار اندیشیدن

را شکل می دهد.

۷. **تعقل:** حضور و بهره گیری از عقل با منشا الهی در برنامه از طریق دانش و دانایی محور کردن برنامه ریزی امکان پذیر

می شود.

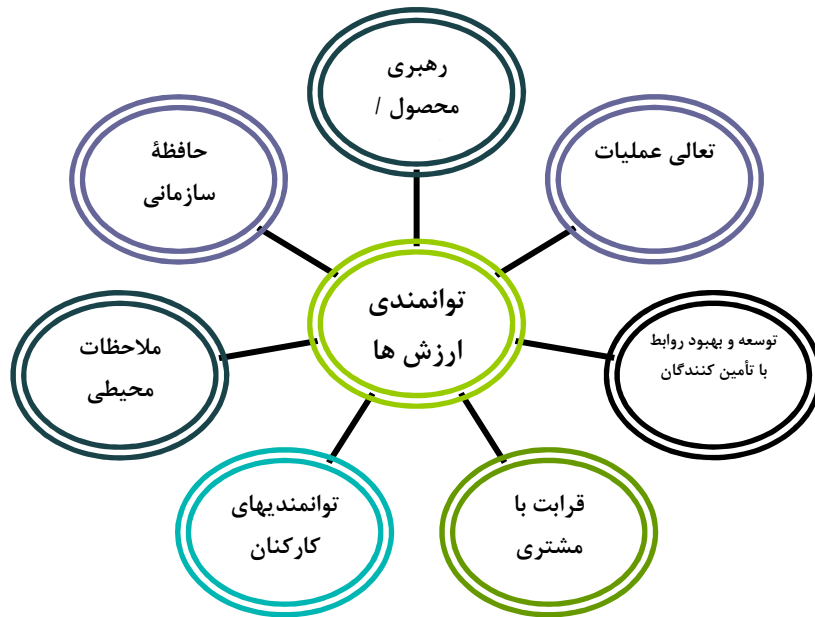
بعد دوم مدل **توانمندی ارزش ها** است . از ذخائر دانش برنامه های بخش ها و زیربخش ها می توان در جهت خلق

ارزش در هفت حوزه کلیدی زیراستفاده کرد. هر چند که این ذخایر در ایجاد و گسترش دارائی های دانشی سازمان مانند اهرم

های دانشی عمل می کنند (Carlucci et al, 2004; Seng et al, 2002; Massingham, 2004; Radding, 1998).



شکل-۲ مدل توانمندی شخصی



شکل-۳ مدل توانمندی ارزش ها

- رهبری محصول / خدمت (تولیدات). تحقق اهداف برنامه ها یعنی تولید کالا و خدمت، رهبری تولیدات، عرضه محصول / ارائه خدمت برتر به مشتریان است. نمود این دانش در اسناد مربوط به آن تولیدات است. این دانش باید شناسایی و طبقه بندی و تحلیل شود. برای خلق ارزش در حوزه تولید باید کلیه اطلاعات لازم درباره تولید بویژه بخشی که مربوط به انتظارات و عقاید مصرف کنندگان است در اختیار فرایندهای تولیدی قرار گیرد.

- تعالی عملیات. تعالی عملیاتی به تولید فرآورده هایی با کیفیت و ارائه خدمات برتر با قیمت های مناسب اشاره دارد که اطمینان و آسودگی خاطر مشتریان را بالا می برد. فرایندهای تولیدی با ترکیب فعالیت های مختلف، اقدام به مونتاژ فرآورده ها می کنند. دانش گسترده برنامه ها را می توان در فرایندهای کارهای اداری و تولید و در بخش های تجارت در هر دو جنبه آشکار و ضمنی یافت. هدف اولیه مهندسی موازی در تولید محصول، افزایش یکپارچگی و انسجام کلیه فعالیت های سازمانی همچون بازاریابی، طراحی، ساخت، کنترل کیفیت، تدارکات، حسابداری و نیز توسعه روابط هماهنگ کاری است. لذا در پایگاه فراداده ها باید امکان تبادل راحت اطلاعات در مواقع بروز پیچیدگی در محیط تجاری و ابهام در تعریف دقیق محصول فراهم شود (Wilson & Wilson, 1994).

- توسعه و بهبود روابط با تأمین کنندگان. توسعه روابط بهتر با تأمین کنندگان به سازمان ها کمک می کند تا زنجیره تأمین خود را با افزایش پاسخگویی، هوشمندی و مشتری گرایی تقویت کنند. یکی از راه های بالقوه بهبود عملکرد در زمان تعریف و تعیین اهداف کیفیت و هزینه در سطح واحد تولیدی، ایجاد روابط بلند مدت با تأمین کنندگان سازمان است. بهره گیری از رهیافت دانش محور برای توسعه مشارکت راهبردی با تأمین کنندگان، بسیار اثربخشی بیشتری نسبت به رهیافت های اطلاعاتی دارد. با روان سازی جریان و تبادل دانش میان عرضه کنندگان، کارکنان، صاحبان سهام و جامعه بهتر می توان به شناسایی و استخراج ارزش های دانشی دست یافت. از این ارزش ها در تدوین و تنظیم راهبردهای کلیدی بهره گیری می شود.

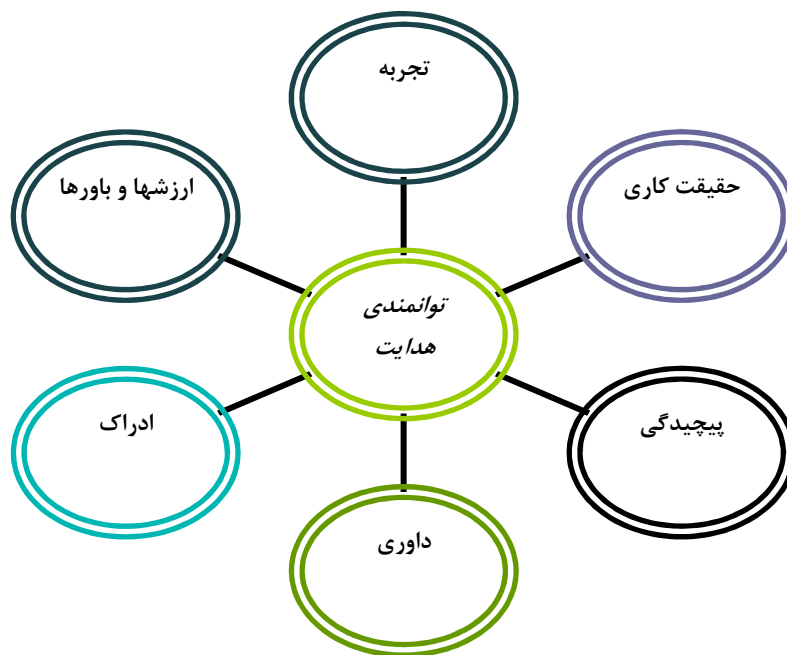
- قرابت با مشتری. هدف این قرابت ایجاد ارتباط نزدیک با مشتریان برای کسب اطلاعات مورد نیاز از آنها برای عرضه فرآورده هاست. از آنجا که شناخت مشتریان و ادراکات آنها، از دارائی های مهم سازمان های عصر حاضر قلمداد می شود، موفقیت در کاربرد فناوری اطلاعات برای کسب اطلاعات دقیق از خواسته های مشتریان و نظارت مستمر بر مشتریان و بازار امری اجتناب ناپذیر است. سازمان ها همواره براساس دانش مشتریان به مزیت های رقابتی دست می یابند و نظام ارزیابی عملکرد آنها از این دانش تغذیه می کند.

- **توانمندی های کارکنان.** از دیگر چشمه های حضور دانش در برنامه ریزی توسعه، توان و مهارت های انسانی کارکنان برای ارائه خدمات است. برنامه ها بر پایه بهره گیری از قابلیت های کارکنان پیشرفت می کنند.

- **ملاحظات محیطی.** محیط داخلی، محیط عمومی و محیط اختصاصی (حرفه ای) برون سازمانی منبعی غنی از دانش است. انتشارات، خبرنامه ها، سامانه های شبکه، کارگزاری های دولتی، رقبا، مراجع قانون گذار و سیاستگذار، همایش ها و نمایشگاه های تجاری همگی فرصت های کسب دانش را ایجاد می کنند. لذا تدوین طرح راهبردی جامع و پیشرفته برای دستیابی به انسجام فرایندهای تعامل تأمین کنندگان با تقاضاهای مشتریان و توجه به حفظ محیط زیست و رعایت حقوق جامعه، منبع دیگری در تقویت حضور ارزش های دانش در برنامه ریزی بشمار می رود.

- **حافظه سازمانی.** منبع دیگر بهره گیری از دانش، حافظه و پیشینه سازمان ها، بخشها و زیربخش ها است. گرچه حافظه سازمانی به شکل های پویا، انباشته و ایستا قابل تصور است اما این حافظه در پایگاه های داده ای، مهارت ها، کتاب های راهنما، تجارب غنی شده، آیین نامه های اسنادی، اختراع نامه ها، درسنامه ها و دیگر منابع نظیر این ها تبلور یافته است. تسهیم شدن در دانش؛

بعد سوم مدل **توانمندی هدایت** است. این توانمندی شامل شش بعد کلیدی زیراست (داونپورت پروساک، ۱۳۷۹؛ مک داندل، ۱۳۸۱؛ Shankar et al, 2003).



شکل ۴- مدل توانمندی هدایت

- **تجربه.** در برنامه ها باید تجربیات حضور داشته باشد؛ با در نظر گرفتن دانش در برنامه ریزی این دستاورد تحقق می یابد. تجربه در واقع، توانایی ایجاد تصویری تاریخی از وقایع و پدیده هایی را دارد که امکان مشاهده و درک شرایط و اتفاقات جدید را به وجود می آورد. این دانش برنامه ای امکان برقراری ارتباط بین آنچه را که اکنون در حال شکل گیری است با آنچه راکه قبلاً اتفاق افتاده ایجاد می کند. لذا، تصورات آنچه را که باید رخ دهد به دانش آنچه اتفاق می افتد تغییر می دهد.

- **حقیقت کاری.** حقیقت کاری از این روی در برنامه ریزی ایفای نقش می کند که مشخص نماید چه کارهایی را باید در نیل به اهداف برنامه انجام داد و چه کارهایی را نباید انجام داد.

- **پیچیدگی.** دانش با استفاده از روش ها و قدرت تحلیل با پیچیدگی ها برخورد کرده و جواب های ساده برای

مشکلات پیچیده برنامه ریزی و اجرای آن عرضه می دارد.

- **داوری.** داوری و قضاوت در برنامه ریزی ها باید از طریق دانش باشد زیرا دانش حاوی داوری است. البته تعمیق داوری، منبع تقویت ارزش دانش قلمداد می شود.

- **ادراک.** دانش از طریق قوای ادراکی و بهره گیری از قوانین در برنامه ریزی حضور پیدا می کند؛ در واقع، ادراک راهنمایی انعطاف پذیر برای انجام کارهاست که از طریق تقویت قوه تیزبینی، رویکرد سعی و خطا، مشاهدات و تجربیات طولانی به وجود می آید. دانش ادراکی باعث بالارفتن سرعت کار شده و می تواند در لحظاتی خاص، واکنشی سریع از خود نشان دهد. پاسخهای سریع و واکنشهای درونی در واقع همان راهنماها هستند.

- **ارزش ها و باورها.** ارزش ها و باورها، زوایای نگرش به وجود می آورند و حکم می کنند که چه پدیده هایی را باید مشاهده و جذب کرد و از این فرایند به چه نتایجی رسید. دانش برخلاف اطلاعات، به باورها و تعهدات مربوط است. قدرت کنونی دانش برای سازماندهی، گزینش، مطالعه، و داوری ها، عمدتاً از باورها و تعهدات سرچشمه می گیرد نه از اطلاعات، علم و منطق.

بنابراین، محورهای بهره گیری از دانش بر پایه مدل شاهبر در برنامه ریزی های توسعه ملی در چارچوب ابعاد چهارگانه

آن، بشرح زیر است:

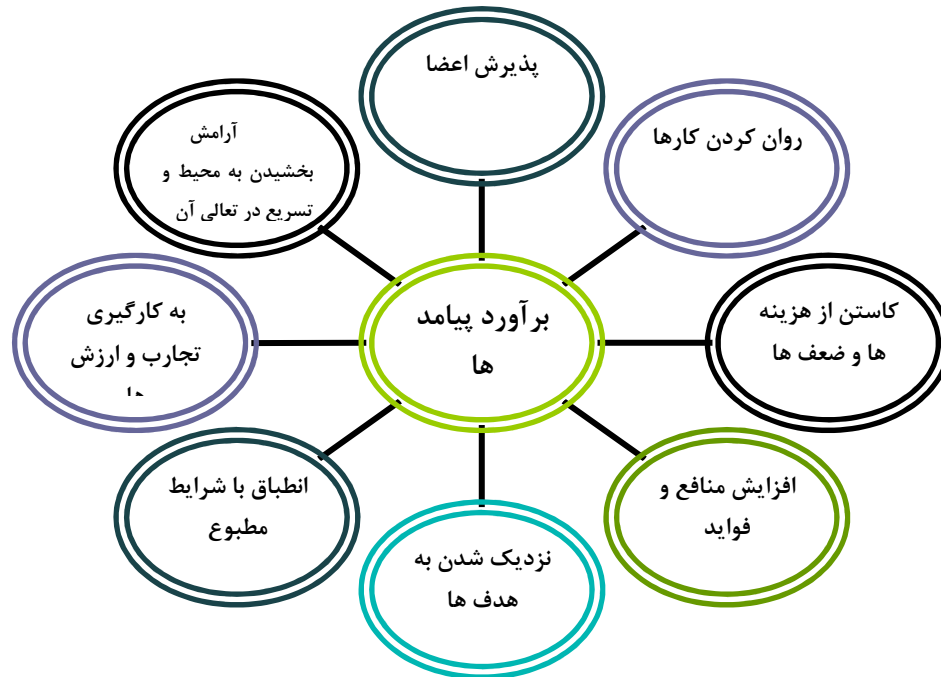
- دانش مربوط به شخصیت؛
- دانش مربوط به ارزش ها؛
- دانش مربوط به هدایت؛
- دانش مربوط به برآورد پیامدها.

بنابراین، انتظار می رود برنامه ریزان قادر شوند، بنیان های دانشجویی را بر پایه ذخایر بیست و هشت گانه ارتقا بخشند و با توسعه ارزش های ناشی مدیریت دانش، سطح تعالی برنامه های ملی را برای نیل به مزیتها به ارمغان آورند.

توانمندی مرکزی مدل مذکور، **برآورد پیامدها** است. ذخایر دانشی که در سه حوزه پیشین مورد بررسی قرار گرفتند مطابق شرایط تحقق، آثاری را به همراه خود به ارمغان می آورند. دانش باید بتواند به ارتقای شناخت حالات وقایع احتمالی ناشی از اقدامات و کارها به پردازد و پنجره ای از نتایج گوناگون را به تصویر کشد. اساساً، پیامدها را باید بر پایه شاخص های زیر شناسایی و طبقه بندی کرد. برنامه ریزان نمی توانند هدایت و توسعه واقعیت ها، و بهره گیری از منابع، حفظ و نگهداری برنامه ها را بدون شناخت آثار احتمالی در حوزه ای زیر پیش ببرند.

- پذیرش اعضا؛ - روان کردن کارها؛ - کاستن از هزینه ها و ضعف ها؛ - افزایش منافع و فواید؛ - نزدیک شدن به هدف

ها؛ - انطباق با شرایط مطبوع؛ - به کارگیری تجارب و ارزش ها؛ - آرامش بخشیدن به محیط و تسریع در تعالی آن.



شکل ۵- مدل برآورد پیامدها

در غیر این صورت، دانش ضمن ایجاد تشمت، موجب بی ثباتی در سیاست ها، برنامه ها، روش ها و حتی وظایف برنامه ریزان خواهد شد. این دانش ها به تدریج اعتماد به نفس همگان را از بین می برند و آنها را دچار تنزل رأی، قضاوت و حتی تشخیص می کنند. بنابراین، برنامه ریزان باید تلاش کنند با مطالعه لازم، ژرف اندیشی، آینده نگری و عاقبت بینی مبادرت به مدیریت دانش کنند.

نتیجه گیری

نقشه کشی، مهندسی و معماری آینده از طریق سه عرصه، پنج قطب و پنج بنیان و نیز تعبیه ابعاد چهارگانه ارزش آفرینی دانش در برنامه های توسعه و کیفیت تصمیم ها آن امکان پذیر می شود. هر برنامه یک ارزش دانشی لازم دارد که نیازمند بهره گیری از شایستگی ها، توانمندی ها، مهارت ها، ابزارها و روش ها است. برای نیل به دستاوردهای مورد انتظار عملکرد برنامه ریزی ها، کلیه مراحل و گام های چهل یک گانه عرصه ها، قطب ها، بنیان ها و مدل شاهبر باید مدیریت شود. تحقق هدف های برنامه های دانش محور بر پایه مدیریت تغییر رفتارها است. معمار تغییر رفتارها و عملکردها، تدابیر مبتنی بر دانش و دانایی است.

سرچشمه تمایز برنامه ریزی های دانش بنیان، کیفیت دانش در دسترس، نحوه بهره گیری، اجرا و دستاوردهای حاصل از آن است. مدل شاهبر، مبدأ تحولات فردی و سازمانی تلقی می شود. محورهای چهارگانه مدل شاهبر، جلوه شرایط، شایستگی ها، مهارت ها، توانمندی ها، افق و ارتفاع افکار برنامه ریزان دانشی و کاربران آن است. آشنایی با دانش نوین مرتبط با تخصص و ممارست در آن، موجب ارتقای مهارت های برنامه ریزی می شود. اگرچه برنامه ها در تعامل با محیط اتخاذ می شوند، لیکن اجرای آنها نه تنها موجب تغییر محیط می شود، بلکه عرصه های جدید محیطی بوجود می آورد، که نشانگر تحقق آینده است.

این مقاله با ایجاد شناخت و ارتقای بصیرت برای پایه ریزی بنیان های دانشجویی نوشته شده تا راه برای نیل به چشم اندازهای توسعه ملی هموارتر سازد.

منابع

- حمیدی زاده، محمد رضا(۱۳۸۹)، **اقتصاد مدیریت پیشرفته**، تهران: نشر حامی.
- حمیدی زاده، محمد رضا(۱۳۸۹)، **مدیریت دانش و دانایی: ساختار، فرایندها و سازوکارها**، تهران: نشر یاقوت.
- داونپورت، ت. اچ. و لارنس پروساک (۱۹۷۹)، **مدیریت دانش**، ترجمه حسین رحمان سرشت، تهران: نشر ساپکو.
- مک داندل، جان (۱۳۸۱)، **مدیریت دانش**، ترجمه و تدوین بدری نیک فطرت، تهران: نشر توحید.
- Carlucci, D. et al (2004), "The Knowledge Value Chain: How Intellectual Capital Impacts on Business Performance", **Intl. J. Technology Management**, Vol. 27, Nos. 6/7, Pp. 575-590.
- Desouza, K.C. et al (2003), "Supply Chain Perspective to Knowledge Management: Research Propositions", **Journal of Knowledge Management**, Vol. 7, No. 3, Pp. 129-138.
- Geffen, C.A. and Rothenberg, S. (2000), "Supplies and Environmental Innovation: the Automotive Paint Process", **International Journal of Operations & Production Management**, Vol. 20, No. 2, Pp. 166-86.
- Hass, L.M.; Lin Mary, E.T. and Roth, A. (2002), Data Integration through Database Federation", **IBM Systems Journal**, Vol. 41, No. 4, Pp. 578-96.
- Hamidzadeh, M.R. & H. Farsijani (2008), "The Role of K.M. for Achieving to World Class Manufacturing", American Academy of Business, No 14, Sept-November.
- Jarrar, Y. F. (2002), " Knowledge Management: Learning for Organizational Experience", **Managerial of Auditing Journal**, Vol. 17, No 6, Pp. 322-328.
- Massingham, P. (2004), "Linking Business Level Strategy with Activities and Knowledge Resources", **Journal of Knowledge Management**, Vol 8, No . 6, Pp. 50-62.
- Omar, A.R.; Harding, J.A. and Popplewell, K. (1999), "Design for Customer Satisfaction: and Information Modeling Approach", **Integrated Manufacturing Systems**, Vol 10 , No. 4, Pp. 199-209.
- Radding, A. (1998), Knowledge Management: Succeeding in the Information Based Global Economy, Computer Technology Research Corp., London.
- Roth, J., (2003), "Enabling Knowledge Creation: Learning from an R & D Organization", **Journal of Knowledge Management**, Vol 7, No . 1, Pp. 32-48.
- Seng, C.V. et al (2002), "The Contributions of Knowledge Management to Workplace Learning", **Journal of Workplace Learning**, Vol. 14, No. 4, pp. 138-147.
- Shankar, R. et al (2003), "Strategic Planning for Knowledge Management Implementation in Engineering Firms", **Work Study**, Vol. 52, No. 4, Pp. 190-200.
- Sveiby, K.E. (1992), "The Know-How Company: Strategy Formulation in Knowledge – Intensive Industry", **International Review of Strategic Management**, Pp. 167-186.
- Sveiby, K.E. (1997), **The New Organizational Wealth: Managing and Measuring Knowledge-Based Assets**, Berrott-Koehler, San Francisco, CA.
- Szykman, S.; Sriran, R.D.; Bochenek, C.; Racz, J.W. and Senfaute, J. (2000), "Design Repositories: Engineering Design's New Knowledge-Base", **IEEE Intelligent Systems**, May/June, Pp. 48-55.
- Twigg, D. (2002), "Managing the Design / Manufacturing Interface Across Firms", **Integrated Manufacturing Systems**, Vol. 13, No. 4, Pp. 212-21.
- Wilson, F.A. and Wilson, J.N. (1994), "Information Systems Development for Concurrent Engineering", **Integrated Manufacturing Systems**, Vol. 5, No. 3, Pp. 4-9.